



بزهکاری نوجوانان

تهیه و تنظیم: شریفه غمگسار
کارشناس بهزیستی مازندران

پیشگفتار:

مسئله بزهکاری کودکان و نوجوانان از جمله مسایل بفرنج اجتماعی است که دنیای امروز را شدیداً به خود مشغول داشته است. درباره علت افزایش بزهکاری در روزگار ما عقاید مختلفی ابراز شده است، پاره‌ای از محققین ازدیاد جرم و جنایت را در جهان امروز از اختصاصات جوامع متمدن کنونی دانسته و معتقدند: به همان نسبت که بشر چهار اسبه به سوی ترقی و تکامل صنعتی و مادی پیش تاخته و از معنویت دور می‌شود، به همان نسبت نیز تبهکاری، قانون شکنی، بزهکاری و ارتکاب اعمالی ضد اجتماعی در جوامع صنعتی پیشرفته گسترش یافته و از سکون و آرامش معنوی در این گونه اجتماعات کاسته می‌شود.

جرایم کودکان نسبت به انواع جرایمی که در میان بزرگسالان متداول است پدیده‌ای نسبتاً جدید است که در دنیای صنعتی از اوایل قرن نوزدهم مورد شناسایی قرار گرفته و از اواسط قرن گذشته به تدریج در کشورهای مختلف برای آن قواعد و مقرراتی وضع و دادگاه‌های خاصی برای رسیدگی بر این گونه جرایم تأسیس گردیده است. بنابراین اگر جامعه در صدد باشد و مسوولان امر همت نمایند به خوبی می‌توان از رشد بی‌رویه و

سریع بزهکاری کودکان جلوگیری نمود، قبل از آنکه مانند برخی از کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی ابعاد این پدیده نوظهور و پیشگیری از آن قبل از هر چیز باید آن را مورد شناسایی قرار داد. لازم به تذکر است که برای نجات جوانان و نوجوانان از انجام جرم و جنایت تنها مبارزه با جرایم کودکان کافی نیست. بلکه جامعه باید با وضع قوانین و مقررات لازم، کودکان و نوجوانان را تحت حمایت قانونی خود گرفته و در مواقع ضروری از حقوق آنان در مقابل بزرگسالان دفاع نماید. این چیزی است که در غالب کشورهای متمدن امروزی مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته و مقررات خاصی درباره آن وضع گردیده است.

در کشور ما متأسفانه تاکنون قوانین و مقررات مربوط به کودکان فقط به جرایم آنان توجه داشته و نقش حمایتی خود را فراموش کرده‌اند. در نتیجه اگر امروزه کودکی مورد زورگویی و ستم بزرگسالان مخصوصاً اولیای خود قرار گیرد هیچ گونه مقررات کیفری خاصی غیر از مقررات قانون مجازات عمومی برای حمایت از حقوق او، وجود ندارد.

به عنوان مثال: چندی پیش روزنامه‌های خبری گزارش تکان دهنده‌ای منتشر کردند مبنی بر اینکه:
در شیراز دختر بچه‌ی سه ساله‌ی ای به نام "گیلدا" توسط پدر

و این عوامل به طور موروثی، با کشش‌ها و غریزه‌ها مسیر رشد و تکامل و نحوه رفتار آدمیان را معین می‌کند. این روان‌شناس مرحله بلوغ و نوجوانی را چهارمین دوران رشد و تکامل می‌داند که از سن ۱۳ سالگی تا حدود بین ۲۲-۲۵ سالگی است و این مرحله را دوران "فشار و توفان" می‌نامند. حال معتقد بود که مرحله بلوغ، دوران یک روند مهم است و نوجوان شور و هیجان فراوانی احساس می‌کند... و هم چنین، دوران نوجوانی را "تولد تازه" می‌خواند زیرا در این مرحله از رشد، تکامل یافته‌ترین خصایص انسانی ظاهر می‌شود.

در بین روانکاوان کلاسیک، فروید درباره بلوغ و تأثیر آن در رشد خوی و شخصیت تأکید می‌کند.

به نظر او سیر فیزیولوژیک بلوغ جنسی که با فعالیت غدد جنسی آغاز می‌شود بر دنیای روانی شخص اثر می‌گذارد، زیرا بیداری تمایلات یا کشش‌های جنسی، تعادل روانی نوجوان را دستخوش تزلزل می‌سازد و او که اکنون توانسته بود میان "نهاد" و "خود" یا "او" و "من" رابطه برقرار کند، در مرحله نوجوانی این رابطه دگرگون می‌شود و کشمکش‌ها به وجود می‌آیند و نوجوان ناگزیر است برای برقراری مجدد تعادل از دست رفته اش تلاش کند و این یکی از مهم‌ترین خصایص دوران بلوغ و نوجوانی است. با پیدایش تمایلات ستیزه جویانه، رفتار شیطنت آمیز، افکار پلید و بی‌نظم، قساوت و خودنمایی از علایم بارز وجود همین کشمکش هاست.

بعضی از دانشمندان دوره بلوغ را "سن بیمار" می‌نامند زیرا فرد از تعادل مطلوب روانی محروم است و در این دوره برخی از اختلالات روانی بروز می‌نماید.

۲- دوران نوجوانی

خویش شکنجه می‌شده است. پدر بیرحم این کودک معصوم در بازپرسی مدعی شده بود که چون این بچه مرا دوست نداشته و شبها مزاحم استراحت من می‌شده، من هم با آتش سیگار او را تنبیه می‌کردم. غافل از اینکه سوزاندن با آتش "سیگار" تنبیه تلقی نمی‌شود، بلکه نوعی آزار دادن است که احتیاج به درمان‌های روانی دارد.

تحقیقاتی که توسط مددکاران اجتماعی دادسرای تهران به عمل آمده پنج علت اصلی زیر را بیش از سایر علل در ارتکاب جرم و جنایت در مورد کودکان ایرانی مؤثر شناخته‌اند:

۱- عدم توجه به تربیت صحیح کودکان و فقدان راهنمایی‌های لازم در این مورد.

۲- نداشتن سرپرست و جدایی پدر و مادر از یکدیگر.

۳- ناهنجاری‌های خانوادگی و وجود اختلاف بین پدر و مادر.

۴- سخت‌گیری پدر و مادر و بدرفتاری آنان با فرزندان خود.

۵- ظلم و ستم ناپدری و نامادری.

باید تذکر داد همان‌طور که عدم توجه به حال کودکان موجب فساد و گمراهی و انحراف آنان را فراهم می‌آورد، همان‌طور که اجرای تنبیهات شدید و وحشیانه در مورد کودکان و نوجوانان نه تنها هیچ‌گونه اثر تربیتی در بر ندارد بلکه باعث تشدید کینه و کدورت آنان نسبت به پدر و مادر و به‌طور کلی نسبت به اعضای جامعه خود می‌شود.

۱- روانشناسی بلوغ و نوجوانی:

روانشناسی بلوغ و نوجوانی به مطالعه خصوصیات رفتاری در دوران نوجوانی می‌پردازد که معمولاً از سن ۱۲ تا ۲۰ و ۲۱ سالگی مربوط می‌شود به عقیده استانی‌ها:

رشد و تکامل آدمی از تغییرات عوامل فیزیولوژیک متأثر می‌شود





نوجوانی معادل کلمه انگلیسی Adolescence است که از کلمه Adolescere به معنای روییدن، رشد کردن، بزرگ شدن "یا" به بلوغ رسیدن" است. در تمدن های اولیه دو مرحله بلوغ و جوانی را در فراخنای زندگی جدا از هم نمی دانستند و کودک همین که قدرت تولید نسل را پیدا می کرد بزرگسال نامیده می شد. امروز اصطلاح "نوجوانی" به معنای وسیع تری به کار می رود و شامل رشد و بلوغ بدنی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی است.

بعضی از روانشناسان رشد و تکامل، دوران نوجوانی را به دو دوره فرعی تقسیم می کنند:

دوره نوجوانی اول و دوره نوجوانی دوم. نوجوانی اول به سال های ۱۳ تا ۱۶ یا ۱۷ سالگی و نوجوانی دوم از ۱۸ سالگی تا سن قانونی است.

۳- بزهکاری

بزهکاری به آن نوع اعمال و رفتارهایی اطلاق می شود که همراه با شورش و تهاجم علیه قوانین جزایی است، قوانینی که بزهکاران با تخطی از آنها مسوول به حساب آیند.

۴- نوجوان بزهکار کیست؟

طرح چنین پرسشی، پاره ای از مردم را مضطرب و نگران می کند. مردم به جستجوی جوابی می پردازند که بیشتر پاسخی است تند و آمیخته با خشم. هیجانات سرکش و قوی در این مورد بسیار است و چنین به نظر می رسد که مردم اینطور احساس می کنند اعمال و رفتار نوجوانان بزهکار به منظور آزار و اذیت مردمان شایسته و متمدن صورت می گیرد. در حال حاضر در هر یک از کشورها کلمات و عباراتی است که با آن وسیله، یک دسته از جوانان دنیا را مشخص و ممتاز می سازد. اینان جوانانی هستند که رفتار با تمیلاتشان آن چنان با دیگران متفاوت است که اگر به مردم هشدار ندهد، سوءظن آنان را بر می انگیزد. در انگلستان به این نوجوانان "تری بویز" می گویند. در هلند آنان را "نوزم" و در سوئد "راگاره" می نامند.

اگر مردم بدون عقل و تفکر خیال کنند که جوانی که موزیک راک اندرول دوست دارد یا لباس های عجیب و غریب می پوشد اگر تا به حال در گروه نوجوانان بزهکار در نیامده باشد، به زودی به ایشان خواهد پیوست: قضاوتی غیر عادلانه خواهد بود. بیشتر اوقات بزرگسالان لغت بزهکار را به این منظور استفاده کرده اند تا خشم و ابهام خودشان را نسبت به ذوق و کارهای

مورد علاقه نوجوانان بیان کنند.

۵- چه نوع رفتارهایی بزه نوجوانی محسوب می شوند؟

جرایم چیست و راه مجازات آنها به چه صورت می باشد، اختلافی که کشورها از این جهت با هم دارند تنها معرف این است که چطور در دنیا در پاسخ به پرسش هایی مانند بزهکار کیست؟ و در مورد او چه باید کرد، نظریات مختلفی ابراز شده است.

یکی از بزه های متداول در قاهره جمع کردن ته سیگار از خیابان هاست. خطایی که در سایر نقاط دنیا جرم محسوب نمی شود. بررسی اخیری که در دو منطقه شهری لوک نو و کمپور در هند انجام گرفته نشان می دهد که ولگردی دومین بزه متداول در بین جوانان این مناطق است. چند سال پیش تعداد جوانان بزهکاری که در هنگ کنگ به دادگاه و به محضر قاضی کشیده شدند به رقم تکان دهنده ۵۵ هزار رسید و معیذا ۹۰ درصد این جوانان مرتکب تخلفاتی جزئی از قبیل: دست فروشی، دوره گردی بدون داشتن اجازه نامه مخصوص از مقامات مربوطه شده بودند. در مورد چنین وقایعی شخصی که از خارج به این پدیده

■ متوسط بهره‌هوشی نوجوانان بزهکار غالباً کمتر از نوجوانان سالم است.

■ نوجوانان بزهکار از درس و مدرسه متنفرند و می‌کوشند از آن شانه خالی کنند در حالی که نوجوانان سالم، مدرسه را دوست دارند و به ادامه تحصیلات در دوره عالی علاقه‌مندند و به ندرت بدرفتاری می‌کنند یا از مدرسه بیزار می‌شوند.

■ نوجوانان بزهکار، اشخاص ناآرام و بی‌قرارند و نمی‌توانند جایی مستقر شوند.

■ نوجوانان بزهکار به گرد آمدن با همسالان و همگنان بیشتر علاقه‌نشان می‌دهند تا با دیگران، تا بهتر بتوانند مورد تقلید قرار گیرند. بعضی از بزهکاران صفات مشخص رهبری هم از خودشان نشان می‌دهند.

■ خودنمایی نوجوانان بزهکار معمولاً مقبول و مطلوب نیست. ■ بزهکاران به ندرت گوشه‌گیر بوده و یامنش‌های درون‌گرایانه دارند، بلکه "معاشر" و جامعه‌پذیرند و با دیگران تماس برقرار می‌کنند.

■ نوجوانان بزهکار ناایمنی، طرد شدگی، دوست‌نداشتنی بودن، حقارت، گناه و ناکامی احساس می‌کنند.

■ نوجوانان بزهکار از نظر شخصیتی، اشخاصی هستند بی‌میل، خصومت‌آمیز، بدگمان، بی‌قید به مبادی اخلاقی، خودمحوری، خودمداری، بی‌ثباتی عاطفی، ویرانگر، برون‌گرا، بیش‌فعال و غیر گوشه‌گیر.

۷- آنچه به نام "علت‌ها" معروف شده است:

به نگاه بسیاری از اشخاص علت بزهکاری نوجوانان را می‌توان مربوط به فیلم و سینما دانست اینان برای اثبات ادعای خود آن فیلم‌هایی را شاهد و مثال می‌آورند که رفتار شرم‌آمیز را با شکوه و مورد پسند جلوه داده است. فرض بر این است که کودکانی که به دیدن این قبیل فیلم‌ها می‌روند آلوده می‌گردند، و هر گونه رفتار غیر طبیعی در ایشان را می‌توان به علت آن چیزهایی دانست که در فیلم دیده‌اند و شاید هم مورد ستایش آنان قرار گرفته است.

اما دقیق‌ترین و علمی‌ترین تحقیقات نیز قادر نبوده‌اند که بین فیلم و بزهکاری نوجوانان ارتباط مستقیم و بدون واسطه‌ای برقرار سازند. تنها به طور خیلی وسیع و کلی می‌توان این موضوع را تعمیم داد که بعضی از فیلم‌ها می‌توانند و قدرت دارند که دارای تأثیر تحریک‌آمیزی باشند، اما این به ندرت می‌تواند عامل



نگاه می‌کند به سختی می‌تواند بپذیرد که رفتار این نوجوانان بزهکار نتیجه عواملی از قبیل: طرد شدن از خانواده، گرسنگی و نومیدی نباشد.

با توجه به این مثال و نمونه‌ها متوجه می‌شویم که بعضی اوقات امکان دارد تعداد کودکانی که رفتارشان جرم شمرده می‌شود ما را به اشتباه بیان‌دازد، مگر اینکه مسایلی مثل طبیعت جرم، قانونی که این جوانان از آن سرپیچی کرده‌اند و گونه‌ای که رفتارشان ثبت شده و توسط مقامات مربوطه دستگیر شده‌اند برای ما روشن باشد. در بیشتر کشورها حد نهایی سن برای اینکه نوجوانان بزهکار در مقابل قانون مشمول شناخته شوند بین ۱۶ و ۱۹ سالگی در تغییر است.

۶- خصایص نوجوانان بزهکار:

از تحقیقی که درباره ۵۰۰ نفر نوجوان بزهکار و مقایسه آنها با ۵۰۰ نفر نوجوان سالم به عمل آوردند، چنین نتیجه گرفتند که:

■ میان آن دو گروه تفاوت بدنی یا فیزیولوژیک محسوس وجود ندارد. بنابراین نمی‌توان نقص عضو یا بدن را از خصایص بزهکاران به شمار آورد.

■ نوجوانان بزهکار از فقر و عقب ماندگی تربیتی و آموزشی رنج می‌برند.

اصلی هر گونه رفتار انحرافی و بزهکاری به حساب آید.

۸- علل و عوامل کلی بزهکاری:

- ناایمنی عاطفی.
 - عقب ماندگی عاطفی.
 - انحراف عاطفی.
 - نارسایی های اجتماعی.
 - انحراف های اجتماعی.
 - کشمکش ها فرهنگی.
 - کمبودهای امکانات عادی برای اظهار غریزه های اساسی.
- باید توجه داشت که تأثیر عوامل نامبرده همیشه و درباره همه بزهکاران یکسان نیست بلکه تأثیر آنها بر حسب افراد مختلف فرق می کند. یک نوجوان بزهکار باید از شریک جرمش جدا در نظر گرفته شود، زندگی او در خانه، مسایل و مشکلاتش در مدرسه، روابطش با پدر و مادر، تصویر و نقشی که از وجود خود در ذهن دارد و در نهایت شخصیت اش باید به دقت آشکار شود و مورد تشخیص و ارزیابی دقیق قرار گیرد.

۹- عوامل فردی، جسمی، ذاتی بزهکاری:

در بررسی عوامل فردی و جسمی، ذاتی، تأثیر چگونگی ساختمان بدن و قیافه، ارث، سن، جنس و نژاد مورد بحث قرار می گیرد.

تأثیر طرز ساختمان بدن و قیافه در بزهکاری:

عده ای از دانشمندان افراد را از نظر شکل و خصوصیات بدنی و قیافه طبقه بندی نموده اند که اهم آنها عبارتند از:

۱) طبقه بندی کرچمر:

کرچمر روانپزشک آلمانی با توجه به مردم شناسی وضع ظاهری بدن و طرز عمل غدد داخلی، افراد را به ۴ دسته تقسیم نموده است:

الف) افراد لاغر و دراز: افراد مذکور دارای قدی بلند، بدنی لاغر و ضعیف شانه های باریک، صورت کشیده، بینی نوک تیز، شکم کوچک، سر پر مو هستند: حالت تهاجمی دارند، مرتکب قتل و سرقت می شوند. همواره استعداد تکرار جرم را دارند و مجموعاً ۵۰ درصد جمعیت و ۴۰ درصد بزهکاران را تشکیل می دهند.

ب) افراد قوی هیکل و عضلانی: افرادی دارای استخوان بندی محکم، شانه های پهن، موی پر پشت، چهره ای بیضوی، گونه های برجسته، عضلات و ماهیچه های نیرومند دارند. طرز فکر آنها متغیر و پرخاشگر و متهاجم است، مرتکب قتل، حریق

عمدی می شوند. ۳۰ درصد جمعیت و ۵۰ درصد بزهکاران در این مشخصات هستند.

ج) افراد چاق و فربه: این گونه افراد کوتاه قد، تنومند، دارای شکمی برآمده و عضلانی نرم، گردنی کوتاه و کلفت، چهره ای گرد، بدنی پر مو دارند و خیلی زود کچل می شوند. میزان جرم آنان خیلی کم است و ۲۰ درصد جمعیت و ۱۰ درصد در جمعیت کیفی بزهکاران هستند.

د) تیپ مختلط: از مشخصات مذکور است این گروه افرادی کم حرف بوده و دارای دست های پهن، بازوان لاغر می باشند و جرایم مختلفی را شبیه سه دسته قبلی مرتکب می شوند.

۲) طبقه بندی وروک:

وروک مردم شناس بلژیکی که از پیش قدمان بالینی است قد مجرمین را مورد بررسی قرار داده و تأثیر ترشحات غدد داخلی را در رفتار و اعمال انسانی تأکید می کند.

طبقه بندی وروک از لحاظ قد به شرح زیر است:

قد متوسط ها کمتر مرتکب جرم می شوند. اکثر بزهکاران خیلی بلند قد و خیلی کوتاه قد هستند. (به نظر اینجانب عقیده وروک مورد انتقاد است زیرا مجرمین دارای قد بلند یا کوتاه یا متوسط مانند افرادی عادی می باشند.)



۱۰- رابطه سن با تعداد بزهکاری:

دوران مختلف سن با ازدیاد و یا تقلیل بزهکاری رابطه مستقیم دارد:

الف) سن شروع به بزهکاری:

تعیین سن شروع بزهکاری با مطالعه قوانین خاص کودکان و قوانین کیفری مرتبط است. در بعضی از کشورها در قوانین کیفری و اقدامات تأمینی حدود سنی برای اطفال تعیین شده و کودکان کمتر از حدود مقرر در قوانین در صورت ارتکاب جرم غیر مسوول محسوب می‌شوند و در نتیجه تعداد آنان در آمار محسوب نمی‌گردد. به طور مثال در سوئیس کودکان تا ۷ سال غیر مسوول و قابل به تعقیب کیفری نیستند. در صورتی که گاهی کودکان کمتر از ۷ سال نیز مرتکب جرم می‌شوند. ربودن اشیاء در کودکان کمتر از حداقل سن تعیین شده در قوانین متداول، ولی سرقت محسوب نمی‌گردد. بعضی از دانشمندان عقیده دارند که از سن چهار سالگی ربودن اشیاء بایستی سرقت محسوب شود. محیط خانوادگی و محیط اجتماعی در ارتکاب جرایم در حداقل سن مؤثر است. ارتکاب جرم کودکان که در سنین کمتر و دوران کودکی، تحت نظارت و مراقبت پدر و مادر یا سرپرستان خود باشند بسیار کم و نادر است. با شروع دوره بلوغ و فعالیت اجتماعی (تحصیل، کارآموزی یا اشتغال به کار) کودکان و جوانان بر تعداد بزهکاری آنان افزوده

می‌گردد. و حدود سنی که تعداد جرایم به حداکثر می‌رسد در کشورها و حتی مناطق مختلف یک کشور در دو جنس مذکر و مؤنث متفاوت است.

ب) سن حداکثر:

در مورد تعیین سنی که ارتکاب جرایم به حداکثر می‌رسد متخصصین عقاید مختلفی را بیان کرده‌اند، از جمله "گنلر" معتقد است که: تعداد بزهکاری در ۲۵ سالگی به حداکثر می‌رسد در صورتی که "دکتر دوگریف" ۲۵ تا ۳۰ سالگی و "زیلیک" بین ۲۰ تا ۲۵ سالگی را سن حداکثر تعیین کرده‌اند.

ج) سن تقلیل و خاتمه بزهکاری:

معمولاً بعد از ۵۰ سالگی از تعداد بزهکاری کم می‌شود. به طور کلی اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در کشورهای مختلف در سن حداکثر و حداقل و ازدیاد و یا تقلیل بزهکاری مؤثر است.

۱۱- عوامل عمومی بزهکاری:

"دورکیم" در کتاب خودکشی، ریشه‌ی آن را در اجتماع دانسته می‌نویسد که خودکشی ناشی از سه علت اجتماعی به شرح زیر می‌باشد:

الف) خودکشی به علت عدم اتحاد، همبستگی، ضعف رشته الفت و همدردی و بالاخره انزوا در اجتماع اتفاق می‌افتد. در دوران بحران مانند انقلاب، جنگ و... اتحاد و اتفاق بین افراد جامعه مستحکم و میزان خودکشی تقلیل می‌یابد.

ب) خودکشی ناشی از جنون و اختلال روانی که بیشتر معلول عدم تعادل روانی و وضع غیر عادی و هر ج و مرج است که فرد بیمار روانی مورد حمایت قرار نمی‌گیرد.

ج) خودکشی ناشی از دیگر پرتی است. در جوامعی که تمایل شدید بر منافع افراد شدت می‌یابد و فرد یک آلت بی اراده، در دست اجتماع بوده و از لحاظ روانی، آمادگی دارد خود را قربانی و فدای اجتماع سازد؛ آنگاه که مرتکب عملی بر خلاف حقایق و حیثیت جامعه گردید اقدام به خودکشی می‌کند.

"فری" به طور خلاصه علل بروز جرایم را به شرح زیر بیان می‌کند: عوامل جسمی: نقص بدنی، عیوب شکل ظاهری و اندام، ساختمان مجسمه و غیره

عوامل روانی: اختلالات و بیماری‌های روانی، میزان هوش، احساسات و غیره

تأثیر خصوصیات اخلاقی بزهکار: شرایط بیولوژیک، نژاد، سن،



کمک! بچه‌ی من زندگیاست!



محیط اجتناب ناپذیر (محیط اصلی)

محیط خانوادگی محیطی است که فرد در آنجا چشم به دنیا گشوده و رشد خود را آغاز می‌کند. در سنین اولیه زندگی با اینکه کودک هنوز راه نمی‌رود و حرف نمی‌زند اما تمام حرکات اطرافیان خود را تقلید و رفتار و کردار اطرافیان در ضمیر او نقش بسته و شخصیت کودک پی‌ریزی می‌گردد.

روانپزشکان معتقدند که زیربنای خانواده بایستی متکی بر دو اصل ارضاء و رفع احتیاجات و نیازهای اساسی جسمی و روانی و سازگار نمودن کودکان به زندگی عادی اجتماعی باشد.

در بررسی تأثیر محیط خانوادگی بایستی چگونگی وضع خانواده و روابط افراد خانواده با یکدیگر و هم چنین موقعیت کودک در بین افراد خانواده مورد توجه قرار گیرد که مهم‌ترین

آنها عبارتند از:

- ۱- محیط متشنج خانوادگی.
- ۲- رابطه کودک با پدر و مادر
- رابطه کودک با مادر
- رابطه کودک با پدر
- ۳- از هم گسیختگی خانواده.
- ۴- تأثیر رفتار و کردار پدر و مادر.
- ۵- روابط عاطفی و تربیتی پدر و مادر.
- ۶- موقعیت کودک در سلسله مراتب خانوادگی.

محیط اتفاقی:

- ۱- محیط تحصیلی ۲- محیط سر بازی (خدمت نظام وظیفه)
- ۳- وسایل ارتباط جمعی
- ۱۳- بزهکارانی که در گروهی معین هستند:
- ۱- بیماران روانی.
- ۲- بزهکارانی که اختلال منش دارند.
- ۳- بزهکارانی که عقب افتاده ذهنی اند.
- ۴- معتادین به الکل.
- ۵- معتادین به مواد مخدر.
- ۱۴- بزهکارانی که جزء گروه معین نیستند:

- ۱- مجرمین به عادت
- ۲- مجرمین اتفاقی
- ۳- مجرمین احساساتی
- ۴- مجرمین حرفه‌ای
- ۵- مجرمین گروهی

جنس، شرایط رشد و نمو جنسی، شغل، مسکن، طبقه اجتماعی، طرز تعلیم و تربیت، وضع خانواده شخصی (متأهل، مجرد)

عوامل محیط جغرافیایی: آب و هوا، وضع زمین، فصول، شرایط جوی و وضع تولیدات کشاورزی.

عوامل اجتماعی: اوضاع و احوال محیط اجتماعی که بزهکار در آن زندگی می‌کند. مانند تراکم جمعیت، افکار عمومی، اعتقادات مذهبی، چگونگی زیربنای خانوادگی، تولیدات صنعتی، اعتیاد، وضع اقتصادی و سیاسی و حتی سیستم تدوین قوانین مدنی و کیفری.

۱۲- عوامل مستعد کننده و انگیزه‌های روانی ارتکاب جرم:
عوامل مستعد کننده:

- ۱- غرور و خودخواهی ۲- حرص و طمع ۳- جرایم جنسی
- ۴- جاه طلبی یارفع نیاز ۵- خشم و حالت تهاجمی ۶- تبلی

انگیزه ارتکاب انواع جرایم:

- ۱- قتل ۲- مسموم کردن ۳- ایجاد حریق عمدی ۴- کلاهبرداری
- ۵- انحرافات

روانپزشکی - آموزش انفرادی - کار کردن با فرد و موارد خاص .
 به طور کلی پیشگیری و احیاناً درمان بزهکاری باید از همان ۳
 سرچشمه بزهکاری یعنی خانه، محله و مدرسه انجام شود .
 خانه: محیط گرم، پر از مهر و محبت متقابل، عاری از مشاجرات
 مداوم میان اعضای خانه به ویژه پدر و مادر برخوردار از وضع
 اقتصادی اجتماعی معقول، کم جمعیت و فرهیخته باشد .
 محیط یا منطقه زندگی: واجد شرایط اجتماعی مطلوب،
 بهداشتی، رفاهی و تفریحی باشد .

مدرسه: محیط اجتماعی گرم، با برنامه‌های درسی و آموزشی
 متناسب با نیازها و رغبت‌های دانش آموزان و آموزگاران باشد .
 روش‌های اصلاحی و تربیتی درمانی:

روش‌ها ممکن است در محیط بسته یا محیط باز و در محیط
 نیمه باز اجرا گردد:

اجرای روش‌های مختلف در محیط بسته:

قدیمی‌ترین روش برای اجرای مجازات، نگهداری بزهکاران یا
 افراد در حالت خطرناک در محیط بسته است .

۱- روش عمومی:

روزها دسته جمعی کار کرده و شب‌ها در خوابگاه‌های عمومی به
 سر می‌برند. معایب و مفسد روش مذکور بسیار است از جمله
 رواج انحرافات جنسی، تشکیل گروه‌های بزهکار، تطمیع و
 تهدید سایر زندانیان برای همکاری پس از آزادی، آموزش فنون
 و رموز ارتکاب جرایم مختلف .

۲- روش انفرادی:

در این روش محکومین شب و روز به طور مجرد در خوابگاه‌ها
 نگهداری می‌شوند. با اینکه روش مذکور معایب روش عمومی را
 ندارد، لکن اگر مدت نگهداری طولانی باشد زندانی خوی
 اجتماعی را که از خصایص ذاتی بشری است از دست داده و بر
 اثر غلبه ناامیدی، اقدام به خودکشی کرده و یا پایه بیماری‌های
 جسمی و ناراحتی‌های روانی مخصوصاً به "روان‌پریشی" مبتلا
 می‌شود. در اکثر کشورها این روش در مرحله شناسایی
 شخصیت به مدت معین و در مورد بازداشتی‌ها و محکومین به
 حبس به مدت کم اجرا می‌گردد .

۳- روش مختلط:

برای رفع معایب روش انفرادی، روش مختلط در بعضی از
 کشورها اجرا می‌شود به این معنی که محکومین روزها به طور
 دسته جمعی کار می‌کنند. ورزش و تفریح و غذا به طور دسته



۱۵- پیشگیری و درمان بزهکاری:

۱- بزهکاری رفتاری است آموخته شده و می‌توان آن را درمان
 کرد هر چند که این درمان طولانی باشد .

۲- درمان بزهکاری از عهده‌ی متخصصان و به تنهایی خارج
 است، بلکه باید پدر و مادر، مدرسه، مددکاران اجتماعی و سایر
 نهادهای آموزشی در راه درمان همکاری کنند .

۳- پیشگیری بزهکاری مانند سایر بیماری‌ها بر درمان مقدم
 است و آن عمدتاً چنان که گفته شد در خانه، محله و مدرسه
 می‌تواند انجام گیرد .

۴- برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان تنها یک راه و روش
 موجود نیست، اجتماع محلی قادر است تا تغییرات و تحولات
 بسیاری را انجام دهد که هر کدام از آنها خود منجر به نوعی
 پیشگیری خواهد شد .

اول اینکه سعی کنیم کلیه خصوصیات محیطی را که گمان
 می‌رود عامل بزهکاری باشند مورد توجه قرار دهیم و دوم آنکه
 بکوشیم برای نوجوانان اقدامات معینی که جنبه‌ی پیشگیری
 داشته باشد انجام دهیم بعضی از این اقدامات عبارتند از:

جمعی است اما حق حرف زدن با یکدیگر را ندارند و شبها به طور مجرد و انفرادی نگاهداری می‌شوند. این روش با وجود مراقبت شدید معایب روش عمومی را داراست.

۴- روش تدریجی:

■ در مرحله اول اجرای روش انفرادی است.

■ در مرحله دوم اجرای روش مختلط است.

■ در روش سوم اجرای روش نیمه آزادی است.

■ محکوم قبل از اتمام مدت محکومیت با استفاده از آزادی مشروط (با مراقبت و یا بدون مراقبت) آزاد می‌گردد.

۵- روش منطبق با شخصیت:

در کشورهای پیشرفته حکم محکومیت و دستور اجرای مجازات‌ها منطبق با شخصیت هر فرد است. هر نوع روشی را از بدو دستگیری و یا محکومیت در مورد هر فرد مطابق با شخصیت او می‌توان اجرا کرد.

علاوه بر روش‌هایی که در هر زندان یا کانون‌های نگهداری اجرا می‌گردد می‌توان روش‌های خاصی را در مورد بعضی از

بزهکاران یا افراد در حالت خطرناک اجرا نمود:

۱- جراحی.

۲- جراحی روانپزشکی.

۳- درمان دارویی.

۴- روش تربیت یا درمان پزشکی.

۵- روان درمانی.

۶- روانکاوی.

منابع:

۱- زمان دانش، تاج (دکترای حقوق از فرانسه و سوئیس)،

مجرم کیست جرم‌شناسی چیست؟

۲- شعاری نژاد، علی اکبر، روانشناسی رشد ۲ نوجوانی و بلوغ

۳- صلاحی، جاوید (دکتر)، بزهکاری اطفال و نوجوانان

۴- کوآراسوس، ویلیام سی، بزهکاری نوجوانان (دکتر

ابراهیم رشیدپور)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی